

زمینه بیانی مفهوم ذکر در شهر اسلامی

بهزاد وثیق^۱

عبدالرحمن دیناروند^۲

محمد دیده بان^۳

چکیده

شهر به مثابه ساحت کالبدی اندیشه، حامل نشانه‌ها و انتظامی است که از طریق آن دین و امر مقدس می‌تواند بیان شود. بیان در اسلام از طریق مفهوم ذکر قابل طرح است. از این رو عناصر و کالبد‌های تذکیر در شهر می‌توانند ضمن جنبه زیبایی شناسانه، در تربیت دینی و ادراک حضور در برابر خدا موثر باشد. سوال اصلی تحقیق آنست که چه عناصری می‌توانند بیشترین قابلیت تذکیر داشته باشند؟ روش تحقیق در این مقاله مبتنی بر دو روش ترکیبی، توصیفی-تحلیلی و پیمایشی است. در این راستا پس از تدوین چارچوب نظری، مفاد آن بر اساس روش دلفی در اختیار سی نفر از طیف خبرگان شامل اساتید حوزه و دانشگاه با زمینه تحقیقات مربوط به موضوع، قرار داده می‌شود. طی این روند هشت زمینه تجلی ذکر در شهر اسلامی به دست می‌آید. نتایج نشان می‌دهد که موثرترین ابزارهای ذکر شامل نشانه‌های صوتی، عناصر شاخص کالبدی، فعالیت‌ها و استخوان بندی شهر هستند.

واژگان کلیدی

شهر اسلامی، مفهوم ذکر، تکنیک دلفی؛

۱. عضو هیات علمی گروه معماری دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول؛ vasiq@jsu.ac.ir.

۲. عضو هیات علمی گروه معماری دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول؛ dinarvand@jsu.ac.ir.

۳. عضو هیات علمی گروه معماری دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول؛ mdideban@jsu.ac.ir.

۱- مقدمه

اسلام دینی شهری است به همین دلیل از یک سو به زندگی اجتماعی در کنار زندگی فردی توجه می‌کند و از سوی دیگر ویژگی‌های شهرآرمانی خود را در قالب بایدها و نبایدهای زندگی فردی و روابط انسانی و حقوق الهی و مسلمین نسبت به یکدیگر بیان می‌دارد. به عبارت دیگر اسلام همانند هردین و مکتب و تفکری، اصول خاص خویش را داشته و در مورد مفاهیم مشترک نیز تعریف خاص خود را دارا می‌باشد. برخی از این اصول در اسلام عبارتند از: تسبیح، ذکر، تقوا و وحدت و غیره. اگر یک اثر هنری و در اینجا معماری و شهرسازی، اعتقاد یا داستانی از یک سنت دینی خاص را به تصویر کشد یا به بیان آن کمک کند؛ هنر به مثابه ابزار قلمداد نمی‌شود و خود اثر و روش بیان آن، به عنوان یک تعلیم دینی توصیف می‌گردد و می‌تواند کاربردی دین-ی داشته باشد. همچنین از آنجا که شهراسلامی شهری است که واجد و نمایانگر اصول و ارزش‌های تفکر اسلامی باشد لازم است که اصول مطرح شده در باب شهراسلامی نمودی عینی و قابل درک بیابند. با بررسی نحوه بروز این اصول در شهرهای اسلامی می‌توان به الگویی جهت ساخت آتی در شهرهای اسلامی دست یافت. این پژوهش با توجه به اهمیت مساله ذکر و یادآوری در شهراسلامی به بررسی این اصل و شناخت نمودهای آن در شهراسلامی می‌پردازد.

۱-۱- روش پژوهش

در پژوهش حاضر در وهله اول با بررسی آراء مختلف در ارتباط با زمینه های بروز تذکر در شهر اسلامی از دیدگاه صاحب نظران و جمع بندی و رفع همپوشانی ها، معیارهایی جهت بررسی نمودهای تذکر در شهر اسلامی بیان می گردد. در مرحله بعد این معیارها طی پرسشنامه و با استفاده از تکنیک دلفی مورد نقد و بررسی قرار می گیرد؛ در نتیجه این فرآیند معیارهای تصحیح شده و کارآمد به دست آمده و در نهایت، وجود و یا عدم وجود آن ها در نمونه های موردی به عنوان مثال هایی از زمینه های تذکر مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. نوع پژوهش کیفی و روش انجام پژوهش تحلیلی و موردکاوی می باشد.

۱-۲- پیشینه پژوهش:

یکی از زمینه های تجلی هنر دینی، ایجاد فضاهای شکل گیری مناسک و آیین ها است. هنر دینی باید بتواند انسان را با روش هایی به اصول متوجه شود (نقی زاده، ۱۳۸۲). یکی از مهمترین این روش ها ذکر است. ستاری ساربانقلی در بررسی موارد مرتبط با شهر در کلمات قصار پیامبر یاد خداوند و فضای ذکر را در توضیح موارد مربوط به شهر و آموزه شهری قابل برداشت از سخنان پیامبر بیان می کند (ستاری ساربانقلی، ۱۳۹۰). نقی زاده صفات بهره گیری از مفهوم ذکر را در شهر اسلامی در کنار توحید، عبودیت و عبادت، تقوا، هدایت، عدالت، اصلاح، شکر، عبرت، امنیت، احسان، میانه و هماهنگی، پاکی و نظم شرطی در احقاق صفت اسلامی بودن برای یک شهر می داند (نقی زاده، ۱۳۷۷). او در جای دیگر، تذکر در شهر را در سه مقوله بیان می دارد: اول، تماس مداوم با عناصر طبیعی به عنوان یکی از مهم ترین منابع شناخت، دوم، بهره گیری از آیات قرآنی در ترکیب با سایر هنرها و سوم بهره گیری از نمادها و نشانه ها، چه آیات الهی و چه نمادهایی که در فرهنگ اسلامی رشد یافته اند (نقی زاده، ۱۳۷۷). ون درور با برشمردن تجربه صوفیان پاکستان، چنین می نویسد که این صوفیان ذکر را در جایی که خلوت باشد انجام می دهند. از این رو در شب و در اتاق هایی کم نور و یا در بیابان مراسم ذکر را به جای می آورند (VanDerVeer, ۲۰۱۵, p ۳۶۲). دسپلات و شولز چنین می نویسند که ذکر در شهر هم جنبه اسلامی دارد و هم شیطانی، و عارف با ذکر نام

حق بر بیان و بر جهان، فضا را تقدیس می‌کند (Desplat & Schulz, ۲۰۱۴, p ۹۸). در تحقیق دیگر، با بررسی آیات قرآن و تقسیم‌بندی ذکر به دو دسته ذکر جلی و ذکر خفی، شش راهکار حضور طبیعت بکر یا مصنوع، آثار گذشتگان، نشانه و ابنیه یادآور ایام الله همانند تکایا و حسینیه، نامگذاری فضاهای شهری، نشانه صوتی همانند اذان، هنر و استفاده از نشانه‌ها، نمادها و تعابیر در آثار هنری را برای ایجاد تذکر در شهر اسلامی ارائه می‌کنند (محمدی و میرمجرییان، ۱۳۸۷). بمانیان و دیگران (۱۳۹۶) به بررسی جایگاه ذکر در طراحی عناصر زیباسازی شهری قم، پرداخته‌اند. تحقیق ایشان متمرکز بر مقایسه سطح ادراکی نشانه‌های شهری در انتقال معنا بین دو گروه مردم و متخصصین بوده است. نتایج نشان‌دهنده تفاوت معنادار سطح ادراکی بین دو گروه است که نشانگر نیاز به بومی‌سازی عناصر تذکیر بر اساس زیبایی‌شناسی هر منطقه است. در تحقیقی دیگر با محوریت تجلی ذکر در فضای معماری اسلامی-ایرانی از طریق بشارت و انذار، محققین تلاش نموده‌اند تا با تاکید بر مسجد ایرانی به بررسی کیفیت فضایی آن بر مبنای ذکر پردازند. نتایج نشان می‌دهد که انذار بیشتر در فضاهای حرکتی و بشارت غالباً در فضاهای سکون کاربرد دارد. بدین ترتیب فضای معماری می‌تواند از ابتدا تا انتها با طیفی از انذار تا بشارت طراحی شود.

۲- مبانی نظری

در ابتدا لازم است تفاوت ماهیتی بین معماری دینی و معماری قدسی طرح گردد. تفاوت هنر قدسی با هنر دینی در آن است که هنر قدسی صرفاً بیانگر آن گروه از تجلیات سنتی یا دینی است که به طور بی‌واسطه به مبانی روحانی مذکور بازگشت دارند. از این رو هنر قدسی دارای پیوندی نزدیک با اعمال مذهبی و آداب راز آشنایی است که از مذموم دینی و نمادپردازی روحانی برخوردار هستند (آوینی، ۱۳۷۰، ص ۳۹). اعوانی تمایز هنر قدسی از هنر دینی را مربوط به ویژگی‌های فرم و محتوا در این دو هنر می‌داند: هنر دینی مقدس نیست، اما هر هنر مقدس دینی است هر چیز که یک موضوع دینی داشته باشد هنر دینی است اما چنان نیست که حتماً مقدس باشد» (اعوانی، ۱۳۷۵، ص ۳۱۹). در راستای بررسی هنر مقدس ابتدا باید به درکی از امر قدسی دست یافت؛ زیرا آنچه-ه-ه در هنر دینی نهفته است و

انرا از دیگر هنرها جدا می‌سازد؛ قداست و تعالی موج-ود در اث-ر هن-ری است. انسان هنگامی که در ساحتی قدسی قرار می‌گیرد، ابتدا مجذوب آن می‌شود و آنگاه-ت تأثیر هیبت آن قرار می‌گیرد. لذا هیچ اثر مقدسی نیست که صورتی غیر دینی دش-ته باشد، زیرا میان صورت و معنا مشابهت غیر قابل انکاری وجود دارد. به این ترتیب موارد موصوف در این تحقیق در دایره هنر قدسی دسته‌بندی می‌شوند. در ادامه با بررسی مفهوم ذکر در پرتو آیات و روایات اسلامی به تدقیق این مفهوم در فضای انسان ساخت پرداخته می‌شود تا از این طریق بتوان علاوه بر تدوین چهارچوب نظری با استفاده از نظریه-زمینه‌ای، فرضیه‌ای طرح و آن را بر اساس نظرسنجی نخبگان مورد بررسی و نقد قرار داد. ذکر در لغت به معنی یاد کردن، بیان کردن، به زبان آوردن عبارات و آیات قرآن برای قرب به حق است. ذکر در آیات الهی به معانی مانند قرآن (طه: ۱۲۴)، نماز (بقره: ۲۳۸)، ثنای الهی (احزاب: ۲۰) به کار رفته و خداوند تمامی علمی که به واسطه انبیاء نازل شده را ذکر می‌نامد (چیتیک، ۱۳۸۸: ۱۱۷).

ذکر فهم این نکته است که مبدا نظری، علت وجودی و غایت همه خلقت خداست و همه چیزها به سوی خداست (طباطبائی، ۱۳۶۶: ج ۱۱، ۴۸۶) و تفاوت مؤمنان با غیرمؤمنان در ذکر و ذکر کثیر است (احزاب: ۴۱). از سوی دیگر انسان در عالم الست تحت آموزه‌های الهی قرار گرفته (علق، آیه ۵) و به یادآوری آن آموزه‌ها به واسطه نشانه‌های ظاهری و باطنی صورت می‌گیرد. ذکر عملی است که مسلمان را می‌تواند به درجات بالای شناخت باری تعالی برساند به گونه‌ای که هم‌ردیف نماز قلمداد شده است (عنکبوت، آیه ۴۵). در اسلام، خدا با وجودی فراتر از درک انسانی، با شخص ارتباط (وحی، دعا و ذکر) دارد. ذکر در اندیشه عرفانی دو کارکرد عمده دارد که اولاً نسیان ماسوی الله (کلابادی، ۱۳۸۰: ه.ق، ص ۱۰۳) است و دوماً رهایی از غفلت است (خوشحال دستجردی و کاظمی، ۱۳۹۰، ص ۳۰ و کلابادی، ۱۳۸۰: ه.ق، ص ۱۰۴). یکی از کارکردهای ذکر همساز نمودن دل، ذهن و جسم است بدین معنا، هنگامی که ذکر حق بر دل سالک غلبه می‌کند، وی آنچنان در ذکر و یاد الهی مستغرق می‌شود که همه وجودش رنگ ذکر و یاد خدا را می‌گیرد (عبادی، ۱۳۷۴: ۵۲) همچنین ذکر باعث طمأنینه است و کاستن اضطراب و دادن بصیرت از نتایج ذکر است (طباطبائی، ۱۳۶۶، ج ۱۱، ۴۸۷).

تنها با ذکر است که انسان از ماده می‌گذرد و به عالم نورانی می‌رسد که شرط آن تداوم بر ذکر

و تلاش برای تکامل آن است (سمنانی، ۱۳۶۹، ۹۵). دوری از ذکر باعث ایجاد جامعه مبتنی بر شیطان؛ یعنی کلیه امور جسمانی و مادی مانع از اتصال به عالم رحمانی (غزالی، ۱۳۹۲: ج ۱: ص ۶۴۴)، فتنه و بحران در جوامع است (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۱۸: ص ۱۵۰ سوره زخرف، ۳۶). جهت تاثیر ذکر لازم است شرایطی تامین گردد. شرط قبولی ذکر، پاکی و طهارت ذاکر، روبه قبله بودن فرد، آرامش و مراقبه و عدم تشویش در حین گفتن ذکر، خوف و رجا داشتن، است (نجم رازی، ۱۳۶۵، ۲۷۲، طباطبائی، ۱۳۶۶، ج ۸، ۵۷۲ و ابوالفتوح رازی، ۱۳۶۷، ص ۳۶۲ و طباطبائی، ۱۳۶۶، ج ۸، ص ۵۷۱). در ادامه به انواع ذکر اشاره می شود.

■ جدول ۱- انواع ذکر

ماخذ: (محمودی، ۱۳۹۰، ۲۱۳ نجم رازی، ۱۳۶۵، انصاری، ۱۳۶۱، ۱۲۷ خمینی، ۱۳۸۴، ص ۲۹۲۷۳)

انواع ذکر	کیفیت	نحوه بیانی
لسانی	برزبان جاری شود	رعایت و ثنای کلامی
نفس	شنیدنی نیست و در حرکت و احساس درونی معنا می یابد.	با کلام یا بدون کلام
قلب	قلب در جمال و جلال خداوند به تفکر می پردازد	با کلام یا بدون کلام
روح	در حالت مراقبه باعث دریافت انوار صفات می شود	با کلام یا بدون کلام
سر	اسرار الهی هویدا می شود و در اعماق دل انسان گفته می شود	با کلام یا بدون کلام
خفی الخفی	مشاهده حق یقین و ورود به عالم اهتتار	بدون کلام

پس از اشاره به مفهوم ذکر و شرایط بیانی و زمینه ای آن لازم است که به موضوع ذکر در کالبد مادی پرداخته شود. بر اساس عقیده عرفا هر موجودی علاوه بر آنکه به موجودیت خویش واقف است به واحد بودن خداوند آگاه است و دائم در ذکر و تسبیح باری تعالی هستند (سبزواری، ۱۳۸۰، ص ۲۰۳). این ذکر نسبت به عالم مخلوق قابلیت شنیدن معمول ندارد و تنها ذات باری تعالی بر آن توانا است. برداشته شدن این حجاب، از نوع فهم سمعی (ابن عربی، ج ۱،

ص ۱۵۴) تنها بر اختیار خدا و تلاش معنوی استوار است. لذا چنانچه تمام حواس و ادراک انسان در تسبیح باشد؛ جمادات و نباتات، جاندار می‌شود. انسان به هر اندازه به یقین زنده شود؛ آن شیئی به همان مقدار زنده می‌شود (بلخی، ۱۳۹۱، دفتر ۳، صص ۲۲۳-۲۲۲). به عبارتی دیگر برداشته شدن حجاب از ماده تنها به واسطه ذکر قابل دسترسی است. شهر به عنوان محل عرضه فضا و توده و یکی از مهمترین سازماندهی‌های ماده، می‌تواند محلی برای تذکیر یا نسیان باشد. علاوه بر آن، شهر هم می‌تواند محلی برای بیان عقاید و ارزش‌های الهی و هم زمینه‌ای جهت سنجش فرهنگ و عقاید جوامع باشد. علاوه بر آن امور عرفی مانند تجارت و سیاست نیز در نمادهای شهری در کنار نمادهای دینی جلوه‌گر است (زرقانی، حیدری و یاری، ۱۳۹۵). شهر اسلامی از طریق کالبد خود و عناصر فیزیکی که با توجه به مفاهیم دینی طراحی شده‌اند این مفاهیم را به اهالی خود تذکر می‌دهد. با عنایت به معنای ذکر، عناصر و فضاهای شهری بایستی به عنوان عناصر مذکر عمل نمایند. به این معنا که هر شهر و هر جزئی از آن بایستی انسان را به ارزش اسلامی متذکر گردد و آنها را در ذهن هر ناظری یادآور باشد (نقی‌زاده، ۱۳۸۲). به عقیده فارابی در شهر آرمانی هیچ چیز از جمله نه انسان و اجسام، نباید در حال سکون باشد (رحیمی، ۱۳۸۴). عناصر واجد مفهوم، ذهن را به حرکت واداشته و تفکر ایجاد می‌کنند؛ نتیجه این تفکر، تذکر را خلق کرده و هدف اصلی و غایی انسان را به او یادآوری می‌نماید. ذکر نام خدا چه به صورت جلی و چه به صورت خفی در آرامش افراد در فضاهای شهری موثر است. انسان می‌تواند هم نقش الهی بیافریند و به عبارتی تجلی ذکر را در ماده پدید آورد و هم نقش طاغوتی و نفسانی بیافریند. ماده به عللی مانند آنکه از ابزار به هدف تبدیل شدن ماده، بیان حق نیست و تجلی طاغوت می‌شود و تبدیل به بت می‌گردد. ماده الهی چه نور چه رنگ و ... پاک و پاک‌کننده است و ماده شیطانی گناه‌آور و از منبع گناه است. فرم‌ها و اشکال و آن دسته از عناصر شهری و اجزاء معماری همچون مسجد یا حسینیه، همجواری برخی عناصر شهری در یک مجموعه مثل مسجد و بازار و مدرسه و ... یا اشکالی چون گنبد و قوس یا طرح‌هایی چون طرح‌های اسلیمی و نیز عوامل ادراکی چون نور، صوت و رنگ، به عنوان سمبل و نشانه؛ می‌توانند ارزش‌هایی را برای مردم یادآوری نمایند.

نشانه صوتی: از ابتدای اسلام، هر کجا گروهی مسلمانان گذران زندگی می‌کردند؛ چه شهر

باشد یا در مقیاس‌هایی خردتر مانند روستا، واحه و...، صدای اذان، همواره برای شنونده مسلمان و یا حتی غیرمسلمان، تذکردهنده بوده است. با گذشت قرن‌ها از اولین اذان این نشانه در ذهن مسلمانان نهادینه شده و هرکجا آوایی اعم از اذان، دعا و مناجات، به گوش برسد؛ ذکر اتفاق می‌افتد. پخش صدای اذان در هنگام اذان و قبل از افطار، می‌تواند فضای معنوی را القا کرده و ترویج نماید. تعیین دقیق واحدهای شهری بر مبنای آنکه صدای اذان در پهنه شهری منقطع نگردد یکی از نشانه‌های تذکیر در شهر اسلامی است.

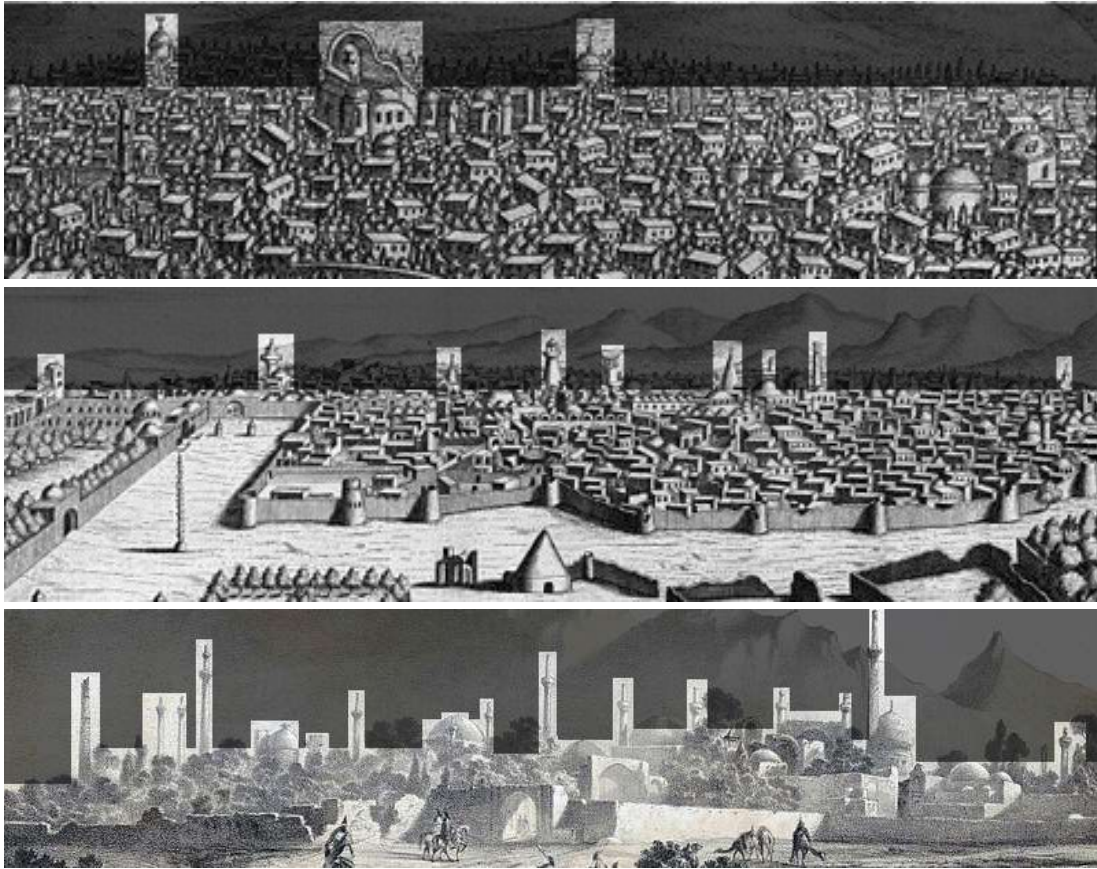
■ جدول ۱. زمینه‌های بروز ذکر در شهر اسلامی از دیدگاه صاحب‌نظران





■ شکل ۱- تعیین مرز توسعه محله و مکان‌یابی مسجد در تناظر با هم تولید می‌شوند. راست دزفول- چپ محدوده مسجد جامع یزد

عناصر شاخص: در روایات خوانده می‌شود که نگاه کردن به کعبه، عبادت است (من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۰۵؛ بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۶۵. نیز ر.ک: وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۳۱۲؛ ج ۱۳، ص). به نسبت و درجه ای متفاوت، عناصر شهری که خاص شهر اسلامی هستند همانند مسجد، تکیه و حسینیه می‌توانند مذكر باشند. تاثیرگذاری چنین عناصری زمانی بیشتر می‌شود که به گونه‌ای مناسب دیده شده و توسط بافت ابنیه مجاور محجور نشوند. در گذشته به سبب کوتاهی خط آسمان شهر و همچنین تزئینات خارجی کم در بافت شهر با شاخص شدن عناصری نظیر مناره و گنبد اتفاق می‌افتاد. این مطلب در بافت یزد و در خط آسمان این شهر به وضوح قابل درک می‌باشد به خصوص که مسیرهای پیاده‌روی بر روی بام‌ها نیز وجود دارد. به طور کلی با شاخص کردن عناصر مذهبی نظیر مسجد می‌توان زمینه ایجاد ذکر در شهر اسلامی پدید آورد. در وضع کنونی شهرسازی معاصر با رویکردی سلبی، چنانچه ابنیه از لحاظ فرم و ارتفاع به صورتی باشند که بنای مذهبی را تحت الشعاع قرار دهند و یا موقعیت و کیفیت نشانه‌ای آنرا از بین ببرند و یا اینکه کالبد انتخابی برای بنای مذهبی با درک عمومی از ابنیه مذهبی تفاوت و در تعارض باشد؛ نه تنها ذکر انجام نگرفته که بافت در وضعیتی طاغوتی قرار دارد.



■ تصویر ۲- عناصر شاخص در خط آسمان شهر کهن عمدتاً به مساجد و اماکن مذهبی مربوط است که بیان مفهوم ذکر است. به ترتیب از بالا تبریز، کاشان (Chardin, ۱۹۲۷) و اصفهان (Flandin, ۱۹۸۵) با تاکید نگارندگان

فعالیت‌ها: فعالیت و عملکرد در فضای شهری، به عنوان یکی از عناصر تشکیل دهنده فضای شهری، در ایجاد تذکر در شهر اسلامی، نقش اساسی ایفا می‌کنند. مراسم نظیر عزاداری، اعیاد و نماز جماعت ویژگی ذکر و یادآوری دارند. ایجاد محورهایی با شاخصه کالبدی اعم از خیابان و میدان، لکه و گره در سطح شهر که بتواند در ایام مراسم مذهبی این فعالیت را پوشش دهد؛ از این دسته‌اند. از این رو ایجاد محور حرکتی که در فواصلی از آن، امامزاده، حسینیه، سقاخانه، مسجد و کاربری‌های با عملکرد مذهبی وجود داشته باشد؛ خود مویذ ذکر در شهر است. در شهر طرابلس، سمرقند و بخارا لکه‌های سیاه نشان دهنده مساجد هستند که در هر سه شهر با فاصله میانگین بین چهل تا شصت خانه، قرار گرفته‌اند و در این همسایگی تابعیت از مرکزیت مناسک دینی، مسجد جامع شکل گرفته است (Tavassoli, ۲۰۱۶).



■ تصویر ۳- لکه سیاه در شهرهای فوق نشانگر مجموعه‌ی کاربری‌ها مسجد، مدرسه، مقابر متبرکه و مصلی است. (بالا راست، طرابلس (Warfelli، ۱۹۷۶)، بالا چپ: بخارا و پایین: سمرقند (Giese، ۱۹۷۹))

استخوان‌بندی: در استخوان‌بندی کلی شهر در صورتی که مفاهیم اسلامی موثر باشند، می‌توان به عنوان عنصر مذکر به حساب آیند. شکل‌گیری کوچه‌های هم‌جهت قبله از این دست تاثیرگذاری‌ها است. نمونه دیگر تاثیرگذاری بنای بقاع متبرکه در استخوان‌بندی کلی شهر است. اماکن مذهبی به عنوان مرکز و نقطه آغاز شکل شهر مطرح هستند. تاثیرگذاری

حرم امام رضا علیه السلام در استخوانبندی شهر مشهد بدین گونه که خیابان‌های اصلی به مرکزیت حرم شکل گرفته‌اند؛ نمونه ای از این مفهوم است. حرکت در این خیابان‌ها با نمایی از حرم در انتهای مسیر، تذکردهنده است.



■ تصویر ۴- تاثیر اماکن مطهره در شکل و رشد بافت پیرامونی به صورتی که کوریدور بصری قطع نشود. از راست: ۱-حرم مطهر حضرت امام هادی علیه السلام ۲-بین الحرمین در عراق ۳- مزارشریف در افغانستان

عناصر طبیعی: لازمه تذکر در ابتدا تفکر است. وجود عناصر طبیعی در شهرزمینه تفکرا در شهروندان ایجاد می نماید. عناصری نظیر آب و درخت به همراه یک فضای ساکن زمینه برای تفکر در هستی و وجود ایجاد می کند. همچنین عناصر طبیعی به عنوان مخلوق الهی همواره تذکردهنده عظمت الهی است و تماس همیشگی با آن در ایجاد تذکر در شهر اسلامی تاثیرگذار است.

تناسب ماده و فضا: در فلسفه اسلامی فضا بر ماده مقدم است. ماده خود اصل نیست و تنها ظرفی است برای شکل دهی به فضا؛ فضایی که نمادی از ذات حق است. براین اساس در بافت شهر اسلامی، در شکل سنتی آن، این ماده است که فضا را دربر گرفته، با گذر از کوچه‌های پرپیچ و خم و محصور، رسیدن به گشودگی‌ها، فضاهای باز و میدان‌گاه‌های با شکل نسبتاً منظم، همچون رسیدن به کمال است. با رعایت تناسب بین ماده و فضا در

بافت کهن شهر اسلامی سلسله مراتب جهان هستی، در بافت شهر تجسم کالبدی یافته و شهر متذکرات و هدف غایی هستی می‌گردد.

میراث تاریخی: میراث و ابنیه تاریخی از آن جهت که عبرت‌آموزند؛ بسیار تذکردهنده‌اند. حفظ و نمایش آثار تاریخی زمینه تفکر در احوال گذشتگان و عبرت، و گزینش راه درست را برای معاصران فراهم می‌کند. مولای متقیان در خطبه ۸۳ می‌فرمایند: «ای بندگان خدا کجا هستند آنان که سالیان دراز در نعمت‌های خدا عمر گذرانند؟ تعلیمشان دادند و دریافتند، مهلتشان دادند و بیهوده روزگار گذرانند؟» (نهج البلاغه، ص ۴۵۵)

اسماء و آیات قرآنی: موضوع نماد در خطوط و هندسه آیات اسلامی از دو منظر قابل بررسی است. بیان نمادین و هستی‌شناسی نمادین. بحث از بیان نمادین به سخن و ادب و هنر مربوط می‌شود و بحث از هستی‌شناسی نمادین به نگاه نمادین به عالم مرتبط است. در شکل اول، نمادها به صورت کلمه، شکل، رنگ، آوا و مانند اینها در زبان و مصنوعات انسان ظاهر می‌شوند که با دانستن قواعدی میتوان به علت آنها پی برد. اما در شکل دوم و دیدگاه نمادین، عالم و هر پدیده را نمادی می‌بیند که به حقیقتی در باطن و در پس خود اشاره دارد (اعوانی، ۱۳۸۲، ۴۲). استفاده از اسماء الهی و آیات در تزئینات اماکن مرسوم بوده است. این چنین تزئینات به طور مستقیم در بیننده تذکردهنده است. این اذکار به صورت نوشتار جلی و خفی آمده است. در نوشتار جلی یکی از اسماء و صفات الهی ذکر می‌شود و در نوشتار خفی به صورت نمادپردازی و یا به صورت رمزسازی خط مطرح است. نمادپردازی به صورت قراردادن نام الهی در شکل هندسی و مانند آن و رمزپردازی در بسیاری از نوشتارها، به صورت کوچک شدن یک عنصر متکثر در یک نماد واحد است؛ که نشانه‌ی از آنست که هرچیز در ذات الهی فانی می‌شود و خداوند منبع خلقت متکثر است. خدا واحد است و همه فانیان به او برمی‌گردند.



■ تصویر ۵- راست، نوشتار جلی- وسط: نوشتار خفی نمادین- چپ: رمزپردازی شده

۳- روش تحقیق و یافته‌های پژوهش

نوری روش دلفی را یک فرآیند قوی و مبتنی بر ساختار ارتباطی گروهی می‌داند که در موارد ناکافی و نامطمئن بودن دانش در دسترس، از آن استفاده می‌شود و قضاوت نهایی را متخصصان مربوط انجام می‌دهند (نوری: ۱۳۸۵: ص ۲۵). روش دلفی ابتدا برای پیش‌بینی به کار برده می‌شد؛ اما در گردآوری داده‌های مربوط به زمان حال یا گذشته که به درستی معلوم یا موجود نیستند و یافتن روابط علی در پدیده‌های اجتماعی و اقتصادی نیز استفاده می‌شود (مشایخی و همکاران: ۱۳۸۴: ص ۳۷). در پژوهش حاضر پس از جمع‌بندی معیارهای تذکر در شهر اسلامی بر اساس پژوهش‌ها و منابع کتابخانه‌ای، تکنیک دلفی در سه گام مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ گام نخست شامل تدقیق معیارها و تایید روایی پرسشنامه، گام دوم شامل امتیازدهی و تعیین میزان اثرگذاری معیارها، گام سوم و نهایی جهت تایید گام دوم و امتیازدهی نهایی. طیف خبرگان شامل دو گروه از متخصصین شامل اساتید معماری با محوریت تحقیق در زمینه معماری و شهرسازی اسلامی و اساتیدی از حوزه حوزه و مدارس علیمه‌ای است که در زمینه هنر اسلامی پژوهش کرده‌اند. به این اعتبار ۳۰ نفر در قالب دو گروه ۱۵ نفره در نظر گرفته شد. با توجه به آنکه در این تحقیق هدف مقایسه تطبیقی بین نتایج نظریات دو گروه نیست؛ نتایج نظرات اولیه و تجمیع همگرایی نظریات، در یک طبقه‌بندی صورت گرفته است. بر این اساس، در سه گام پیش‌رو معیارهای اولیه به دست آمده از مطالعات، تصحیح شده و روایی و پایایی آن‌ها تایید می‌گردد.

گام نخست تکنیک دلفی: در گام نخست، پرسشنامه باز شامل یازده زمینه کلی تذکر در شهر اسلامی (جدول شماره ۲) در اختیار متخصصانی از رشته‌های معماری و شهرسازی و طراحی شهری قرار گرفت و از آنان خواسته شد موافقت و مخالفت خود را با هر موضوع و همچنین نحوه تاثیر هریک از گزاره‌ها در ایجاد تذکر در شهر اسلامی را بیان نمایند. در انتها از یازده موضوع بیان شده ده مورد تایید شد و بر اساس توضیحات داده شده توسط متخصصان، معیارهایی پرسشنامه گام دوم دلفی تبیین شد.

■ جدول ۲. نتایج حاصله از گام اول و دوم (منبع: نگارندگان)

زمینه تذکر در شهر	مفهوم موضوع	زمینه تذکر در شهر	مفهوم موضوع
نشانه صوتی	از آنجا که وجود عناصر طبیعی نظیر آب و درخت به شکل خاص می تواند زمینه ایجاد آرامش و راحتی خیال را در افراد ایجاد نماید، می تواند زمینه تذکر را ایجاد نماید؛	تماس با عناصر طبیعی	نشانه صوتی از قبیل صدای اذان و نوای ادعیه مذهبی می توانند زمینه ایجاد تذکر را در شهر اسلامی فراهم نمایند؛
استفاده از متن دینی	نشانه های شهر اسلامی در مقیاس شهر نظیر بنای مسجد (مناره و گنبد) فضاهایی نظیر پیشخوان مساجد و ابنیه اسلامی به صورت طراحی شده و شاخص جلوه گری نموده و شاخص و نشانه بودن این عناصر در کالبد شهر به وسیله سایر بخش بافت مجاور مورد تاکید قرار گیرد؛	عناصر شاخص	استفاده مستقیم از کلمات و آیات قرآنی در طراحی جزئیات کالبدی و تزئینات در فضاهای عمومی شهری اسلامی می تواند یادآور و تذکر دهنده باشد؛

مفهوم موضوع	زمینه تذکر در شهر	مفهوم موضوع	زمینه تذکر در شهر
وقوع فعالیت‌ها و اتفاقات مذهبی نظیر نمازهای جماعت و یا مراسم عزاداری در فضای شهری می‌تواند تذکر دهنده به خداوند و ایام الله باشد؛	مناسک	وجود و مشاهده مداوم ابنیه نظیر مساجد، تکایا و حسینیه‌ها در بافت شهر اسلامی، در بیننده تذکر دهنده است؛	ابنیه مذکر الله - ایام الله
در مقیاس کلان در استخوانبندی شهر استفاده از هندسه ای برآمده از تفکر اسلامی نظیر معابر هم راستای قبله و یا خیابان‌های اصلی منتهی به مساجد جامع و یا بقعه‌های متبرکه می‌توانند تذکر دهنده و یادآور باشند؛	هندسه در شکل شهر	حفظ و تقویت ابنیه گذشتگان بعنوان میراث تاریخی و عبرت آموز، میتواند زمینه یادآوری خدا در شهر اسلامی باشد	آثار عبرت آموز
تناسب موجود بین ماده و فضا در شهر اسلامی، به این صورت که ماده بی شکل و در واقع شکل دهنده به فضای مابین است - اولویت به شکل دهی به فضاست و نه ماده - می‌تواند در افراد تذکر دهنده باشد.	تناسب بین ماده و فضا در شهر	استفاده از اشکال هندسی که در طول زمان به عنوان سمبل اسلام شناخته شده اند نظیر هلال ماه و ستاره اسلامی در جزئیات فضا و تزئینات می‌تواند نماد اسلام باشد؛	سمبل و نشانه
		سلسله مراتب دسترسی به فضا و اماکن مذهبی	سلسله مراتب

گام دوم تکنیک دلفی: در گام دوم، براساس توضیحات و پاسخ‌های دریافتی از پرسشنامه اول، معیارها تعیین شده و تحت پرسشنامه بسته شامل ده گویه، در اختیار متخصصان قرار گرفت تا میزان موافقت خود را با هریک از گویه‌ها با استفاده از طیف لیکرت (کاملاً مخالفم = ۱، مخالفم = ۲، مطمئن نیستم = ۳، موافقم = ۴، کاملاً موافقم = ۵) بیان دارند.

گام سوم تکنیک دلفی: در گام سوم، پرسشنامه گام دوم به همراه نتایج حاصله از گام اول در اختیار متخصصان قرار گرفت تا بار دیگر امتیازدهی را برای رسیدن به اجماع در مورد معیارها، انجام دهند. با کسب امتیاز بالاتر از ۳٫۵، در گام نهایی تکنیک دلفی، ۸ مورد از معیارهای بیان شده مورد پذیرش گروه متخصصان قرار گرفت. در این میان دو معیار، وجود سمبل‌های اسلامی در جزئیات فضا و وجود ابنیه مذهبی در بافت شهر، از دیدگاه کارشناسان، نمی‌توانند در شهر اسلامی، تذکردهنده باشند. ستون آخر جدول نیز میزان اختلاف نظربین کارشناسان را در امتیازدهی به معیارها بیان می‌دارد؛ بدین معنی که در مورد معیارهای شاخص کردن نشانه‌های شهر اسلامی و استفاده مستقیم از کلمات و آیات قرآنی در طراحی جزئیات فضا، بیشترین اختلاف نظر وجود دارد. جدول زیر حاصل نتایج گام اول، دوم و سوم می‌باشد.

■ جدول ۳. نتایج حاصله از گام اول و دوم (منبع: نگارندگان)

زمینه‌های تذکر در شهر اسلامی	روایی	میانگین امتیازها	انحراف معیار	میانگین امتیازها	انحراف معیار
نشانه صوتی	*	۴٫۴۳	۰٫۷۳	۴٫۲۹	۰٫۷
استفاده از متن قرآنی	*	۳٫۸۶	۱٫۱۲	۳٫۷۱	۱٫۳۸
ابنیه یادآور خدا و ایام الله	*	۳٫۴۳	۱٫۰۵	۳٫۴۳	۱٫۰۵
آثار عبرت‌آموز گذشتگان	*	۳٫۸۶	۰٫۸۳	۳٫۷۱	۰٫۷
سمبل فرهنگ اسلامی	*	۳٫۵۷	۰٫۸۷	۳٫۵۷	۰٫۹

انحراف معیار	میانگین امتیازها	انحراف معیار	میانگین امتیازها	روایی	زمینه‌های تذکر در شهر اسلامی
۰,۶۴	۳,۸۶	۰,۶۴	۴,۱۴	*	تماس با عناصر طبیعی
۱,۱۶	۴,۲۹	۰,۹	۴,۴۳	*	تقویت استفاده از نشانه‌ها
۰,۳۵	۴,۱۴	۰,۴۵	۴,۲۹	*	عملکردها و فعالیت‌ها
۰,۸۳	۴,۱۴	۰,۸۳	۴,۱۴	*	هندسه اسلامی در فرم عمومی شهر
۰,۶۴	۳,۸۶	۰,۵	۳,۴۳	-	تناسب بین ماده و فضا در شهر اسلامی

۴- بحث و نتیجه‌گیری

هنرمقدس، نمادین است؛ بنابراین با زبان کنایه و اشاره سخن می‌گوید. زی-راه-د-د-حقیق-ی آن قابل بیان و بازت-اب-حق-ایق-ع-الم-م-اورا-اس-ت. از جمع دیدگاه صاحب‌نظران در ابتدا این‌گونه برداشت می‌شود که این عناصر و مفاهیم در شهر اسلامی در یازده زمینه از قبیل نشانه‌های صوتی، استفاده مستقیم از کلمات و آیات قرآنی، ابنیه یادآور خداوند و ایام‌الله، آثار عبرت‌آموز گذشتگان، سمبل‌های فرهنگ اسلامی، تماس با عناصر طبیعی، تقویت و استفاده از مناسک و فعالیت‌ها، هندسه اسلامی در شکل شهر، سلسله‌مراتب فضایی، تناسب بین ماده و فضا در شهر اسلامی بروز می‌کند. پس از آن در این پژوهش یافته‌های حاصل جمع‌بندی مطالعات صاحب‌نظران، با استفاده از تکنیک دلفی و با پرسش از متخصصین، ارزش‌گذاری قرار گرفته است. در نهایت و پس از طی سه گام از تکنیک دلفی، هشت زمینه اثرگذار بر ایجاد تذکر در شهر اسلامی مورد تأیید و همچنین رتبه‌بندی قرار گرفت. می‌توان گفت مستقیم‌ترین نوع ذکر در شهر اسلامی از طریق نشانه‌های صوتی نظیر صدای اذان است. این مورد از تذکر در مقیاس خرد در بافت شهری اتفاق می‌افتد. عناصر شاخص شهر اسلامی نظیر بنای مسجد، حسینیه و یا تکیه در شهر اسلامی می‌تواند تذکر دهنده باشد. این ابنیه با سبک معماری منحصر به فرد می‌تواند در موارد بسیاری

در مقیاس خرد و در دید عابرویا در مقیاس کلان نظیر خط آسمان کلی بافت شهر تذکردهنده باشد. پس از این دو مورد عملکردها و فعالیت‌ها به عنوان یکی از عناصر تشکیل‌دهنده فضای شهری امکان ایجاد تذکر را دارا هستند، فعالیت‌هایی نظیر برگزاری نمازهای جماعت و مراسم عزاداری در فضای شهری و در مقیاس خرد از این دستند. استخوان‌بندی کلی شهر در صورتی که مانند، کوچه‌های جهت‌قبله و یا شکل‌گیری خیابان‌های منتهی به مساجد جامع و یا اماکن متبرکه، تأکیدکننده بر عناصر شهری نظیر مساجد یا سایر اماکن دینی شکل گیرد؛ می‌تواند تذکردهنده باشد. حضور عناصر طبیعی در شهر از آن نظر که با ایجاد آرامش فرصت تفکر را به وجود می‌آورند؛ می‌توانند تذکردهنده باشند. در درجات کمتر، عناصر طبیعی، تناسب خاص بین ماده و فضا در بافت تاریخی شهر اسلامی، حفظ و نمایش آثار گذشتگان در بافت شهر می‌تواند بر حضور قلب و ایجاد زمینه تذکر موثر باشد. آخرین زمینه ایجاد تذکر استفاده مستقیم از آیات قرآنی در تزئینات و جزئیات در شهر اسلامی است.

منابع

- نهج البلاغه، (۱۳۶۸)، سید جعفر شهیدی، تهران، سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
۱. ابن عربی، اکبرمحبی الدین، (۱۳۹۵)، فتوحات مکیه، ترجمه و تعلیق: محمد خواجوی، ج ۱ تهران: انتشارات مولی.
 ۲. انصاری، عبدالله، (۱۳۶۱)، منازل السائرین، تهران، مولی.
 ۳. بلخی، جلال الدین، (۱۳۹۱)، مثنوی معنوی، به کوشش: محمد افشین وفاپی و پژمان فیروزبخش، دفتر سوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
 ۴. خمینی، روح الله، (۱۳۸۴)، تفسیر سوره حمد، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
 ۵. خوشحال دستجردی، طاهره، کاظمی، مرضیه (۱۳۹۰)، تأثیر تکامل بخش ذکر در سلوک الی یالله، ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء، سال دوم، ش ۴.
 ۶. چیتیک، ویلیام، (۱۳۸۸)، درآمدی بر تصوف و عرفان اسلامی، جلیل پروین، تهران. حکمت.
 ۷. رحیمی، حسین، (۱۳۸۴)، در جستجوی شهر اسلامی پایدار، پیک نور، سال پنجم، ش ۲.
 ۸. زرقانی، هادی، حیدری، جهانگیر، یاری، منیره. (۲۰۱۴). تحلیل نقش و کارکرد مکان‌های نمادین شهرها در تحولات سیاسی مطالعه موردی: میدان التحریر مصر. جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۲(۵).
 ۹. سبزواری، هادی ابن مهدی، (۱۳۸۰)، شرح نبراس الهدی: فی احکام الفقه و اسرارها، محقق: محسن بیدارفر، بیدار.
 ۱۰. ستاری ساربانقلی، حسن، (۱۳۹۰)، سطح‌بندی شهر در کلام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، فصلنامه مطالعات شهر اسلامی، ش ۳.
 ۱۱. شاکری موسی، بمانیان محمدرضا، انصاری مجتبی. تجلی ذکر در فضای معماری اسلامی - ایرانی از طریق بشارت و انداز؛ نمونه موردی: مساجد معماری اسلامی ایران. (۱۳۹۷)، نقش جهان؛ مطالعات نظری و فناوری های نوین معماری و شهرسازی. ۸ (۲): ۷۱-۷۹

۱۲. کلابادی، ابوبکر محمد (ه. ق ۱۳۸۰)، التعرّف لمذهب التصوف. مؤسسه النصر. قاهره.
۱۳. عبادی، مظفر بن اردشیر. (۱۳۷۴). التصفیه فی احوال المتصوفه . تصحیح غلامحسین یوسفی. بنیاد فرهنگ ایران. تهران.
۱۴. غزالی، محمد بن محمد، (۱۳۹۲)، احیا علوم الدین، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. محمدی، جمال و میرمجربیان، فرزاد، (۱۳۸۷)، تاثیر و نمود مفهوم تفکر و ذکر در ساختار شهر اسلامی، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی، دانشگاه اصفهان.
۱۶. محمودی، خیرالله، (۱۳۹۰)، ذکر وجودی و شهودی در عرفان اسلامی، بوستان ادب شیراز، سال سوم، ش ۱. پیاپی ۷.
۱۷. نقی زاده، محمد، (۱۳۸۲)، مفهوم و مراتب فضای کیفی، فرهنگستان هنر، خیال ۸.
۱۸. نقی زاده، محمد، (۱۳۷۷)، صفات شهر اسلامی در متون اسلامی، هنرهای زیبا، ش ۴.
۱۹. نجم رازی، عبدالله بن محمد، (۱۳۶۵)، مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد، محمد امین ریاحی، تهران، علمی و فرهنگی.
۲۰. همتی، شهاب الدین، بمانیان، محمدرضا، محسن کاملی، (۱۳۸۳)، جایگاه ذکر در طراحی عناصر زیباسازی شهری؛ نمونه موردی: شهر قم"، فصلنامه مدیریت شهری، سال هشتم، ش ۱۰، پاییز ۱۳۸۳، ۳۸-۱.
21. Chardin, John, 1927, *Travels in Persia, 1673-1677* -, Armenian Research Center collection
22. Desplat, Patrick A., Schulz, Dorothea E., 2014, *Prayer in the City: The Making of Muslim Sacred Places and Urban Life* Globaler lokaler Islam, transcript Verlag,
23. Giese E (1979) Transformation of Islamic Cities in Soviet Middle Asia into Socialist Cities. In: French RE, Hamilton I (eds) *The Socialist City*. Wiley.
24. Flandin, Eugène, Pascal Coste, 1985, *Voyage en Perse de mm., peintre, et Pascal Coste, architecte: entrepris par ordre de m. le ministre des affaires étrangères, d'après les instructions dressées par l'Institut. Publié sous les auspices de m. le ministre de l'intérieur, Volume 1, Gide et J. Baudry,*
25. Tavassoli, Mahmoud, 2016, *Urban Structure in Hot Arid Environments Strategies for Sustainable Development*, Earth Sciences, Springer.
26. Van der Veer, Peter, 2015, *Handbook of Religion and the Asian City: Aspiration and Urbanization in the Twenty-First Century*, University of California.
27. Warfelli M (1976) *The old City of Tripoli*. Art and Archaeology Research Papers (London)